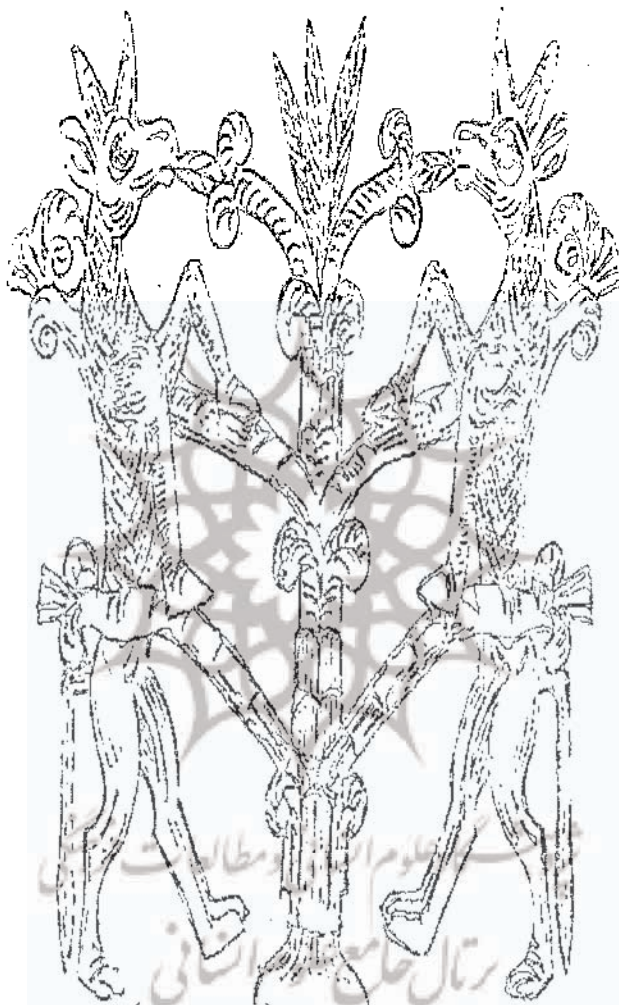


نوروز

در گذرگاه و باورهای دینی کردها^۱

○ محمدرثوف محمدی مقدم



نقشن برگرفته از گنجینه زیویه نزدیک سقز (قرن هفتم ق. م.)

ایجاد تمدن‌های مختلف در آن سرزمین و بین‌النهرین انجامید. اما اهالی این سرزمین بت‌پرست بودند که در آن میان خانواده‌ای مهاجر که حضرت ابراهیم (ع) بن آذر از اعضاء آن بود «قال ابراهیم لآبیه اذر اتخذوا أصناماً الهة انی اریک و قومک فی ضلال مبین» آیه ۷۴ سوره انعام، بت‌پرستان را تهدید به شکستن بت‌ها نموده بود «فجعلهم جذاذاً الا کبیراً لهم لعلهم الیه یرجعون» آیه ۵۸ سوره انبیا. پس در روزی که افراد خانواده و ساکنین شهر برای انجام مراسم نوروزی به خارج از شهر رفتند آن حضرت با حالت تمارض از رفتن به خارج از شهر عذر آورد و در غیاب آنها در بت‌خانه به استثناء بت بزرگ بقیه را با تبر در هم شکست تا بلکه در مراجعت مورد سؤال قرار گیرد.

پس از بازگشت اهالی و فامیل، از او درخصوص شکستن بت‌ها بازخواست کردند، در جواب گفت که بت بزرگ بقیه بت‌ها را شکسته است، اما به دو دلیل باور نکردند، اول اینکه گفتند که بت بزرگ جان ندارد و حرکت نمی‌کند که سایر اصنام را بشکند، دوم اینکه سابقه تهدید او را نسبت به شکستن بت‌ها به خاطر داشتند^۲ پس او را به پیشگاه نمرود پادشاه بابل به محاکمه کشیدند و محکوم به مرگ، زنده در آتش شد. در آن ایام آتش را فوراً خاموش نمی‌کردند تا محتاجان از آن برای روشن کردن اجاق‌شان بردارند پس به دستور نمرود آن آتش نوروز را مجدداً با هیزم فراوان شعله‌ور ساختند تا ابراهیم مهاجر را با منجنیق در آن قرار دهند (در کتاب التناقص فی التواریخ و احدث التوراة من آدم الی سبی بابل ص ۳۶ چاپ قطر نوشته شده است: ابراهیم متولد روستای «به‌رزه» در دامنه کوتاه تاسیون کردستان سوریه (جزیره ابن عمر) نزدیک شهر حران می‌باشد که پدرش آذربت تراش بود و همراه خانواده به بابل مهاجرت کرده بودند. باتوجه به این اطلاعات حضرت ابراهیم باید کرد بوده باشد و پس از نجات از آتش نمرود بابل را به قصد مناطق جنوب و عربستان ترک کرده که در مه‌گه (مکه) فعلی خانه کعبه را بنیانگذاری کرده است.) پس آن حضرت رو به خدا گفت: «حسبنا الله و نعمالوکیل» و دعایش مستجاب شد و خداوند به آتش

رَبِّیْ أَنْزَلْتَنِي مَنزَلاً مُّبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنزِلِينَ» با استناد به آیه ۲۹ سوره المؤمنون قرآن کریم که حضرت نوح پیامبر (ع) دعا نمود که: بارالها مرا بر روی خاکی منزّه و پاک هبوط فرما. سپس آیه شریفه ۴۴ سوره هود تأکید می‌نماید: «وَأَسْمَوَاتٍ عَلَيَّ الْجُودَى». دیگر بر مسلمانان حجت است که کشتی آن پیامبر پس از گذر از طوفان بزرگ دریا به همراه پیروان و خانواده‌اش آرام بر روی کوه مبارک «جودی» فرود آمد.

روایت است از امام صادق (ع): روز نوروز روزی است که خداوند از بندگانش ایمان گرفت که تنها او را بپرستند و شرک نوزند و به پیامبران و امامان و حجت‌هایش ایمان بیاورند و این روز اولین روزی است که در آن خورشید دمیدو بادهای بارورکننده بر درختان وزید و گل‌ها و شکوفه‌های زمین آفریده شد. «این روز روزی است که کشتی نوح پس از طوفان بر کوه جودی نشست... این روز روزی است که جبرئیل بر

پیامبر (ص) نازل شد و نیز پیامبر اکرم علی (ع) را بر دوش خودسوار کرد تا همچون ابراهیم (ع) بت‌های عرب را در هم بکوبد و به زیر افکند... این روز روزی است که بار دوم برای علی (ع) بیعت گرفته شد. در این روز علی بر اهل نهروان پیروز شد و مرد صاحب پستان (ذوالثدیّه) را کشت. نوروز روزی است که قائم ما و صاحبان امر ظهور می‌کنند و در این روز بر دجال چیره می‌شود و او را در کنار کوفه به دار می‌زنند، هیچ نوروزی نمی‌رسد مگر اینکه ما در آن منتظر فرج هستیم زیرا نوروز از روزهای ما و شیعیان ماست که عجم آن را حفظ نمود و شما اعراب ضایع‌اش کردید.^۳

کوه جودی مغرب‌گودی منتسب به ملت گودی یا گوتی یا کوردی در تاریخ است. در این باره عبدالوهاب نجار مؤلف کتاب «قصص الانبیاء» می‌نویسد کوه جودی در شرق ترکیه (کردستان) و در ایالت دیار بکر در امتداد سلسله جبال منتهی به آرارات است. اما فیروزآبادی صاحب «فرهنگ المحيط» این کوه را در شمال عراق (کردستان) می‌داند و در توره نیز منتسب به آرارات می‌باشد. پس از هبوط آن حضرت و همراهان، همگی بر سرزمین‌های منتهی به دامنه‌های کوه مذکور پراکنده شدند و طی قرون و اعصار قبایل مختلفی را تشکیل دادند که به

امر کرد: «یا نار کونی بردا و سلاماً علی ابراهیم» یعنی ای آتش سرد شو و او را در سلامت نگهدار پس در کنار آتش احساس در رضوان داشت و زنجیر دست و پایش در آتش ذوب شد، اما به او گزندی نرسید و خداوند فرمود: «کان امة واحدة» یعنی او به تنهایی ملتی بود.

مردمی که برای تماشای اعدام در آتش ابراهیم اجتماع کرده بودند و بالدسوزی نظاره‌گر اجرای حکم نمرود بودند وقتی دیدند که آتش بر او گزندی نرساند آتش را ستودند و به احترام آن روز در دگر نوروها آتش را باشکوه‌تر و محترم‌تر برافروختند. از این گونه اتفاقات مهم در تاریخ نوروز به تکرار حادث شده است: مثل قیام کاوه آهنگر و فریدون در روز پیروز نوروز علیه ضحاک ماردوش، تاجگذاری جمشید در نوروز و اول فروردین، گسترش شهر استخر و پی‌افکندن تخت جمشید در آیین نوروزی، پایتخت شدن اصطخر به دست کیومرث، به تخت نشستن جمشید به هنگام تحویل آفتاب به نقطه حمل (فروردین) و نوروز خواندن آن روز.^۵

باید یادآوری نمود که در هزاران سال پیش از این تنها وسیله روشنایی و گرمازا برای مردم در غارها و خانه‌ها فقط آتش بود که اولین کشف انسان به حساب می‌آید که برای او کشفی مثل معجزه و تحسین برانگیز بود. اما از عقل دور است که انسانی که فروزنده آتش و خاموش کننده آن است، آن را پرستش کند بلکه احترام و رویداد ابراهیم در آتش، آن را مورد احترام به هر نحوی در بین ملت‌های اطراف بین‌النهرین و ایران قرار داده است و این تقدس بی‌حد که به پرستش شباهت داشته مؤخر بر نوروز است.

ایرانیان در قدیم حتی اکنون در حق همدیگر دعای خیر می‌کنند که خداوند اجاق‌ت را روشن نگهدارد زیرا تهیه و فراهم ساختن آتش در آن دوران کاری بس مشکل بود و معمولاً خانواده‌ها مانع از آن می‌شدند که اجاق‌شان خاموش شود و زندگی‌شان تاریک و

گرته فضای خانه‌شان سرد می‌شد. نوروز در دوره پیشدادیان در کتاب «دراسة عامه عن ایران» تألیف محمودصفی ابومنلی صفحه ۵۷ چاپ بغداد ۱۹۸۵ در رابطه با ماقبل تاریخ می‌نویسد که پس از وفات نوح (ع) و پسرانش «گوتی‌ها» در اطراف کوه جودی از سلسله جبال آرات اقدام به ایجاد آبادی نمودند. «گومه» پسر یاخت از طایفه نوح که به

کیومرث در ایران معروف است پس از هبوط به دنیا آمد، گویند کیومرث قبایل زمان خود را متحد ساخت و حکومت ماد را بنیان‌گذاری نمود^۶ و آیین و شریعت ایجاد خود را در

بین مردم رواج داد^۷ و با عدالت حکومت نمود و یا از این‌رو به پیشدادیان معروف شدند. این سلسله پس از هبوط به مدت ۲۴۲۷ سال حکومت کردند.^۸ زردشتیان سرسلسله پیشدادیان یا کیومرث را پدر انسانیت عدالت می‌شمارند و در اوستا از او نام برده شده است، (اساطیر باستان)، اما ماده تاریخی آنان به درستی روشن نیست.

پس از کیومرث پسرش هوشنگ پیشدادی و بعد از او طهمورث بر تخت سلطنت جلوس نمود که بنیان شهرنشینی به او نسبت داده شده است و پارچه‌بافی و نخ‌ریسی را ابداع کرد. بعدها از همین سلسله جمشید به پادشاهی می‌رسد و شهرنشینی

و عمران شهری در زمان

او رونق

می‌گیرد و بنیان

شهر اصطخر یا پرسپولیس

را به او نسبت می‌دهند که به تخت

جمشید معروف شده است.

از کارهای ماندگار جمشید رسمی کردن «نوروز»

به عنوان آغاز سال است، او دستور داد که براساس چهار فصل

سال تقویم شمسی جمشیدی را استخراج کردند و قبایل بت‌پرست را به

آیین توحیدی رهنمون شد.

برای این پادشاه تختی روان از طلا ساختند و عده‌ای از افراد قبایل با هیاکل خشن تخت او را بر دوش می‌گرفتند و حرکت می‌دادند و در افسانه‌ها آمده است که چنین تخت او را بر آسمان بر دوش و بر بال‌های خود گرفته و یک روزه از کوه دماوند به بابل می‌رسانند.^۹ اسم جمشید در اوستا مذکور است که آهن را اختراع نمود و در زمان او عمران شهری رونق پیدا کرد و در آن سپاهیان مسلح تربیت کردند و کشتی ساخته شد، بالطبع با چنین تمدنی حمام به وجود آمده و گویند در زمان او نخ ابریشم و بافت آن برای پارچه و لباس ابداع گردید.

دکتر محمد معین می‌فرماید که پیشدادیان و مادها مترادف همدیگراند و در اوستا به عنوان اولین پادشاه توحیدی از او نامبرده شده است، استاد پورداود اوستاشناس می‌فرماید جمشید شاهراه انسانیت را هموار ساخت و به فرمان اهورامزدا از بالای پل «جینود» یعنی پل صراط عبور کرد و در انتها به آخرت رسید و دروازه جهنم را بست و شیطان و اهریمن را به زنجیر بست، مردم هم به شکرانه این کار او، تاجی از طلا ساختند و در روز «نوروز» بر سر او گذاشتند.

پس به مردم دستور داد تا در روز نوروز شستشو کرده و جامه نو بر تن نمایند و نعمت‌های خداوند را سپاسگزاری کنند. پس نوروز در آن زمان به عبارت امروز یوم‌الله بوده است. جمشید سال هبوط بعد از طوفان نوح را مبدأ تاریخ قرار داد^{۱۰} و حکمداران تاریخ با ابتکار در دوران خود مبدأ تاریخ را عوض کردند.

سرانجام این پادشاه عادل به منیت افتاد و بت‌ها را شکست اما سرانجام خود بت شد و خود را خدا خواند و مردم چنان درمانده شدند که ضحاک بن مرداس را بر او ترجیح دادند و به اسارت رفتند تا نوروزی دیگر،... نتیجه آن که ایرانیان از روزگار کهن جشن‌های مهمی چون نوروز - مهرگان، سده - تیرگان و بهمن داشتند، این اعیاد عمومیت خود را به استثناء نوروز از دست داده‌اند و این عمومیت در سراسر فلات آریایی از هندوستان و پاکستان و افغانستان تا قفقاز و ترکیه و بین‌النهرین



جاویدان مانده است. گویند که امام علی (ع) در سال‌های ۳۵ تا ۴۰ هـ اجازه داد که در روز نوروز بین نمازگزاران شیرینی توزیع شود. به هر حال باستانی و قدیمی بودن بسیار دور «نوروز» تاریخ شروع آن را در هاله ابهام کشانده است

- ۱- کهن وزیر که از میان پیران شوخ و بذله‌گو انتخاب می‌گردد.
- ۲- وزیردست راست که احکام منطقی صادر می‌کند.
- ۳- وزیر دست چپ که فرامین مسخره و عجیب

دیگر ایران در این است که کردها در چهارشنبه آخرسال آتش روشن نمی‌کنند در حالی که این رسم از آیین‌های کهن حتی قبل از ظهور و خورشور زرتشت است. در عوض شب نوروز بر فراز پشت بام‌ها و کوه‌های اطراف شهر و آبادی آتش بازی می‌کنند.

دیگر این که مراسم تخم‌مرغ بازی (تخم‌مرغ پخته) بعد از تحویل سال در کردستان صورت می‌گیرد در حالی که در سایر استان‌ها فقط به رنگ کردن تخم‌مرغ اکتفا می‌شود. (این رسم در کرمان و شهرهای دیگر بود اما کم‌رنگ شده است) در این بازی تخم مرغ‌های شکسته به صاحب تخم‌مرغی که محکم است تعلق می‌گیرد. کردها حاج فیروز و مراسم سیاه‌بازی ندارند در عوض میرنوروز دارند که شرح آن گذشت حاج‌فیروز نماد شهید سیاوش است که در نوروز نامه خون ریخته شده او را یاد می‌کنند و اعتقاد دارند که خون سیاوش خون بست ندارد.

سایر مراسم مثل چیدن هفت سین مثل سایر نقاط ایران برگزار می‌شود که در کنار آن ماهی و آینه و گل و شمع و دود اسپند مرسوم است. از مراسم منسوخ شده نوروز نامه خوانی است که تا قبل از برقراری ماهواره و تلویزیون و کامپیوتر و CD و ویدئو مرسوم بود و همسایه‌ها و افراد فامیل نوبتی در ایام عید یک شب در میان در منزلی به صرف شام مختصری جمع می‌شدند و نقال نوروزنامه را مثل خواندن شاهنامه نقلی می‌کرد.

این مراسم تا پایان روز دوازدهم فروردین ادامه دارد اما با طلوع شامگاه سیزدهم ماه نوروز مراسم قطع و روز سیزده به در اهالی طبق رسوم سایر نقاط ایران در شهر و آبادی خارج می‌شوند و غروب مراجعت می‌نمایند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. این مقاله تحت عنوان نوروز آتش‌پرستی نیست در ماهنامه کردی رامان شماره ۴۶ توسط آقای حسن محمود محمدکریم به زبان کردی چاپ شده است. سال ۲۰۰۰ هولیر کردستان عراق که توسط اینجانب با استفاده از سایر منابع و مآخذ ترجمه و تحقیق شده است.
۲۸. کتاب ماه هنر شماره ۵ سال ۷۷ تهران.
۲۹. تاریخ کرد و کردستان و توابع (تاریخ مردوخ) تألیف شیخ محمد مردوخ کردستانی ۱۳۵۳ تهران ایضاً بحار الانوار ج ۵۶ ص ۹۲.
۳. قصص الانبیاء تألیف عبدالوهاب نجار چاپ بغداد.
۴. و تالله لا یکذبن اهل صامتکم بعد اذن تولوا مدبرین. آیه ۵۷ سوره انبیاء.
۵. کتاب ماه هنر ۵، ۱۳۷۷.
۶. ماقبل تاریخ و سال‌های آن سندیت ندارد.
۷. جلد پنجم فرهنگ معین.
۸. کردهای فعلی از اقباق مادها هستند، تاریخ کرد و کردستان و توابع شیخ محمد مردوخ کردستانی ۱۳۵۳ چاپ تهران.
۹. داستان نوروز، حلمی علی شریف بغداد ۱۹۹۱.
۱۰. موسیقی و نوروز در حوزه فرهنگ ایرانی - بهروز وجدانی ویژه‌نامه نوروز کتاب ماه شماره ۵، ۱۳۷۷.



اما این عید زیبا با درخشش آتش فروزان آن در تمام سرزمین آریایی از جمله در کردستان پابرجاست. یکی از مراسم زیبای این عید در کردستان پس از گذار از خانه‌تکانی و شستشوی جا مکان و در و دیوار و نظافت برگزاری مراسم میرنوروزی است که فعلاً نه به تفصیل گذشته بلکه مختصراً برگزار می‌شود. در اولین چهارشنبه سال نو مردم از میان خود یک نفر را به امیری برمی‌گزینند و به او لقب «امیربهار» یا «میرنوروزی» می‌دهند و با طلوع آفتاب بر تخت حکومت می‌نشیند. پس مرد کوبال سیمین در پیشگاه او تعظیم کرده و افراد تشکیلات را معرفی می‌کند که عبارتند از:

- صادر می‌کند.
- ۴- میرزای باسواد که سمت دبیری دارد.
- ۵- فراشان و خدمتگزاران.
- ۶- خنجرزنان یا جلادان که لباس‌های سرخ می‌پوشند.
- ۷- گروه ساززن به استعداد ۲۵ نفر.
- ۸- گروه آواز خان و سرود خوان که گاهی دسته‌جمعی. و گاهی نوبتی به صورت مشاعره آواز می‌خوانند.
- این مراسم در مناطق کردنشین خراسان هم با تغییرات مختصر برگزار می‌شود.
- تفاوت مراسم نوروزی در کردستان با استان‌های